

این هفتاد مطلب دیگر

چهار جلد استار از حقایق زندگی روزمره

دیوید فاستر و الاس | ترجمه معین فرخی



≈ فهرست ≈

- | | | |
|-----------------------------|----|---|
| سختن مترجم | ۱۳ | بندبازی برفراز مگاگ |
| آب این است | ۲۵ | بی آن که بخواهید تفنگ
را روی شقیقه تان بگذارید |
| یک نما از خانه خانم تامپسون | ۳۷ | کشور نفرت انگیز این زن های بی گناه |
| به لایسترن گاه کن | ۵۷ | پرسش های سخت اخلاقی زیر پوست غذا |
| فدرز: هم تن و هم نه | ۸۵ | تجربه تماشای نبوغ |

پیش‌گفتار

«خانه‌ای که در نهایت با موهایی آغشته به شامپو در آن می‌نشینم و وحشتی را که پرده از روی‌اش می‌افتد تماشا می‌کنم، متعلق به خانم تامپسون است که از باحال‌ترین هفتاد و چهارساله‌های دنیاست». با خواندن چنین جمله‌ای وسط یک مقاله تعریف‌مان از مقاله را گم می‌کنیم. پیش‌فرض ما درباره‌ی مقاله این است که رسمی، عصاقورت داده و خشک پیش‌برود و نشانه‌ای از دنیای شخصی نویسنده در آن نباشد اما مقاله‌ها هم دنیای تازه‌ی خودشان را دارند و به فرم‌های خلاق و بدیع درآمده‌اند. گاهی چنان خوب نوشته می‌شوند که تجربه‌ی شیرین خواندن رمان‌های پرشور را برای خواننده زنده می‌کنند.

جستارهای روایی چنین حال و هوایی دارند. جستار روایی متنی غیرداستانی است که سبکی دلنشین، ساختاری ظاهراً ولنگار، چاشنی طنزی ظریف و گاهی لحنی شبیه زبان شفاهی دارد و با استفاده از داستان یا ساختار داستانی، روایت نویسنده از موضوعی نامتعارف یا